

## بررسی میزان همسویی کتابخانه‌ها در سازمان‌دهی موضوعی کتاب‌ها (با تأکید بر حوزه ایران‌شناسی)

نرگس نشاط

استادیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

### چکیده

پژوهش حاضر تلاشی است برای مقایسه میزان همگونی فهرست نویسی موضوعی میان فهرست نویسان کتابخانه ملی از یک سو و ۱۲ کتابخانه عمده دانشگاهی و تخصصی تهران از سوی دیگر. یافته‌ها نشان می‌دهد که در ۷۵ درصد کتابخانه‌ها ارزش ناهمگونی موضوعی ۶۰ تا ۸۵ درصد است که بیشترین ناهمگونی متعلق به کتابخانه دانشکده هنرهای زیبا و پایین‌ترین آن متعلق به پژوهشگاه علوم انسانی است. از لحاظ رده‌های موضوعی، ناهمگونی‌ها میان ۵۱/۱۳ تا ۸۲/۴۵ درصد است که میانگین آن به ۷۰/۶ درصد می‌رسد. بالاترین میزان ناهمگونی در رده "فلسفه" و پایین‌ترین آنها در رده "کلیات" بوده است. تعداد سرعنوان‌های موضوعی تعلق یافته به کتاب‌ها در رده "فلسفه"، بیشترین و در رده "کلیات" کمترین است. این بدان معنی است که هرچه تعداد موضوع‌های منتسب به متون افزایش یابد احتمال همگونی آنها کاهش می‌یابد؛ و این نتیجه یافته‌های مارکی در سال ۱۹۸۴ را تأیید میکند. بیش از ۵۰ درصد ناهمگونی موضوعی کتابخانه‌ها مربوط به ساختار موضوعی است. در مجموع می‌توان گفت که موضوع دهی به کتاب‌ها در کتابخانه‌ها - حداقل در جامعه مورد بررسی - بسیار ناهمگون و نقاط دستیابی موضوعی به کتاب‌ها بسیار اندک است، که این هر دو به جامعیت و ماهیت نازل در نظام فهرست نویسی منجر می‌گردد.

کلید واژه‌ها: فهرست نویسی موضوعی. همگونی. دسترسی موضوعی. ایران‌شناسی

بازیابی معمول کتاب در کتابخانه‌ها سنتاً از سه طریق پدید آور، عنوان اثر، و موضوع صورت می‌گیرد. از میان این سه مجرا، موضوع حائز اهمیت بیشتری است. فهرست‌های کتابخانه‌ای و دیگر ابزارهای بازیابی کتابشناختی، رویکردی موضوعی به پیشینه‌های موجود در نظام را از طریق نقاط بازیابی که معرف محتوای موضوعی هستند فراهم می‌آورند.

در عصر حاضر تنظیم و سازماندهی اطلاعات تأکید بر خدمات محتوایی دارد. برینبرک<sup>۱</sup> اطلاع‌رسانی را گردآوری و سازماندهی و همگون‌سازی عناصر اطلاعاتی مناسب با نیاز استفاده‌کنندگان تعریف می‌کند و هورتن<sup>۲</sup> به تبدیل داده‌های اطلاعاتی و تبدیل مجموعه اطلاعاتی به یک علم تأکید می‌ورزد و دیورد بلیر<sup>۳</sup> به تفاوت میان دسترسی فیزیکی و منطقی معتقد است و می‌گوید: "وقتی کتابی را با شماره رده‌بندی بازیابی می‌کنیم این مرحله دسترسی فیزیکی کتاب است ولی پی بردن به این نکته که این کتاب تا چه حد نیاز اطلاعاتی مراجعه‌کنندگان را برطرف می‌کند مرحله دسترسی منطقی است. عمدتاً مواد مکتوب یا غیرمکتوبی که به کتابخانه می‌رسد به سبب اینکه موضوع و اطلاعات آنها به درستی تجزیه و تحلیل نمی‌شود به نحو مطلوب قابل بازیابی نیست. هر نظام

اطلاعاتی زمانی موفق است که توانایی بازگشودن نقاط دستیابی موضوعی را به شیوه مطلوب داشته باشد (نشاط، ۱۳۷۳، ص ۶۵).

ویکری<sup>۴</sup> تشخیص و توصیف موضوعی مدارک را به سه مرحله تقسیم می‌کند: الف) توصیف موضوع با بررسی متن و انتخاب تعدادی کلمه، عبارت، یا جمله که به صورت جمعی مسیّن موضوع هستند؛ ب) تصمیم در این خصوص که کدام یک از این توصیف‌های موضوعی ارزش حفظ و ذکر در بازیابی را دارند؛ و ج) تبدیل توصیف‌های موضوعی مرتبط، به توصیفگرهای استاندارد و مطابق با زبان سیستم.

1. Berinberk

2. Horton

3. Diverd Belir

4. Vickery

تقسیم‌بندی وی به خوبی روند تعیین سرعنوان موضوعی را در هر دو نظام دستی و ماشینی بیان کرده است. این فرایند عبارت است از تطبیق دادن موضوع مدرکی خاص با ساختار زبانی نظامی که در بازیابی مورد استفاده واقع می‌شود (کرایست، ۱۹۷۲، ص ۱۹-۲۰). در فرآیند موضوع‌دهی هدف این است که استفاده‌کننده بیشترین اطلاعات مرتبط با درخواستش را با صرف حداقل کوشش و کم‌ترین میزان مطالب نامربوط به دست آورد (فینبرگ<sup>۱</sup>، ۱۹۷۳، ص ۱۱۲). بنابراین موضوع‌سازی فقط وسیله‌ای برای تفسیر مدارک نیست، بلکه بایستی آنها را به روشی تفسیر کرد که جست‌وجوی اطلاعاتی تسهیل گردد (اسپارک<sup>۲</sup>، ۱۹۷۳، ص ۷۱).

از سوی دیگر، به علت کثرت حجم اطلاعات، کلیه منابع اطلاعاتی را نمی‌توان در کتابخانه واحدی یافت و می‌بایست واحدهای مختلف اطلاعاتی و کتابخانه‌های گوناگون را مورد مراجعه و جست‌وجو قرار داد. برخی جوامع برای غلبه بر این مشکل کوشیده‌اند که با تهیه فهرستگان از مجموعه چند کتابخانه، کار شناسایی و مراجعه به منابع را تسهیل کنند. اما هریک از شیوه‌های پیش‌گفته که اتخاذ شود یکسان بودن و همگونی موضوعاتی که به کتاب‌ها در کتابخانه‌ها داده می‌شود حائز اهمیت است، زیرا اگر جز این باشد، جست‌وجوهای اطلاعاتی از جامعیت لازم برخوردار نخواهد بود.

تحقیق حاضر بر آن است که میزان همسویی کتابخانه‌ها را در سازمان‌دهی موضوعی کتاب‌ها در حوزه ایرانشناسی<sup>۳</sup> بررسی کند. به همین منظور کتابخانه‌های مستقر در شهر تهران را که دارای منابع ایرانشناسی بوده‌اند انتخاب کرده و نوع و ساختار موضوعی فهرست‌های آنها را با کتاب‌های فهرست شده در کتابخانه ملی - به‌عنوان شاخص -

---

1. Feinberg

2. Spark

۳. منظور منابعی است که درباره ایران یا مضامین آن باشد. این منابع در ده رده دیوبی تقسیم بندی شده است. به‌طور مثال، کتابی با عنوان "بررسی تاریخ و تمدن ایران" در رده تاریخ قرار گرفته و مربوط به این حوزه تلقی شده. همچنین کتابی که سرگذشتنامه فلاسفه ایرانی را در بردارد نیز در رده فلسفه و در حوزه ایرانشناسی جای گرفته است.

مورد مقایسه قرار داده است.

### مروری بر مطالعات پیشین

در مروری بر مطالعات پیشین در زمینه همگونی موضوعی، در سال ۱۹۶۱، راجرز<sup>۱</sup> از تلفیق عمل دو نمایه‌ساز به میانگین ۲۴ درصد همگونی رسیده است. جاکوبی<sup>۲</sup> در نمایه‌سازی پروانه‌های ثبت اختراع در حوزه شیمی، میانگین همگونی را برای نمایه‌سازان مجرب، و غیرمجبرب که از ابزارهای کمکی استفاده نمی‌کنند، ۱۰ درصد دانسته است (جاکوبی، ۱۹۶۲).

اسلامکا<sup>۳</sup> و جاکوبی به ۳۵ درصد تا ۴۵ درصد همگونی در مورد نمایه‌سازان مجرب که از برخی ابزارهای کمکی، نظیر واژگان کنترل شده، استفاده کرده‌اند دست یافته‌اند (جاکوبی و اسلامکا، ۱۹۶۲). در گزارش دیگری، اسلامکا و جاکوبی در مورد نمایه‌سازان با تجربه به ۱۶/۳ درصد و در مورد نمایه‌سازان بدون تجربه به ۱۲/۶ درصد همگونی رسیده‌اند. پینتر<sup>۴</sup> به ارزش‌های ۴۰ درصد، ۴۲ درصد، ۴۸ درصد، و ۷۰ درصد همگونی، به تناسب نظام‌های نمایه‌سازی و نوع مدارک دست یافته است (پینتر، ۱۹۶۳). کوروتکین و الیور<sup>۵</sup> در مطالعه‌ای که در آن روان‌شناسان و غیرروانشناسان به نمایه‌سازی چکیده‌ها پرداخته‌اند، میزان همگونی را بین ۳۶ تا ۵۹ درصد دانسته‌اند. این همگونی هنگامی به ۸۰ درصد افزایش پیدا کرده که از نمایه‌سازان خواسته شد که از جدول‌های رده‌بندی و اصطلاحنامه‌ها استفاده کنند و آزادی آنان در استفاده از اصطلاحات خارج از آن ابزارها محدود شده یا کلاً سلب گردیده است (کوروتکین و الیور، ۱۹۶۴، ص ۷۹). در سال ۱۹۶۵، هوپر<sup>۶</sup> ارزش‌های همگونی را بین ۱۰ تا ۸۰ درصد می‌داند و معتقد است که این ارزش‌ها برحسب شرایط نمایه‌سازی و ملاک‌های سنجش همگونی تغییر

1. Rodgers

2. Jacoby

3. Slamecka

4. Painter

5. Korotkin & Oliver

6. Hooper

می‌یابد (هوپر، ۱۹۶۵، ص ۷).

پری شل<sup>۱</sup> (۱۹۷۲) نیز به توصیف میزان همگونی موضوع‌ها در میان نمایه‌سازان پرداخته است. وی نمایه‌ها (سرعنوان‌های موضوعی) را از نقطه نظر مترادف‌ها، مخفف‌نویسی‌ها، تلفظ‌های مختلف، و واژه‌های موجود با یکدیگر مطابقت داده است. مطالعات پری شل بر اساس آخرین بررسی‌ها و مطالعات هفده‌گانه هوپر در زمینه محاسبه مقادیر همگونی میان نمایه‌سازان صورت گرفته است. وی دلایل موجهی را برای فرمولی که هوپر (۱۹۶۵) برای سنجش همگونی ارائه کرده است مطرح می‌سازد. وی نحوه نمره‌گذاری نمایه‌های انتخاب شده، نظر متخصصان موضوعی، مهارت در نمایه‌سازی، تعداد نمایه‌سازان، و اسناد بررسی شده را مورد توجه قرار داده و معتقد است که هر یک از این عوامل می‌تواند در معنی دار بودن مقادیر حاصل از سنجش همگونی مؤثر باشد (پری شل، ۱۹۷۲، ص ۳۲).

تار و بورکو<sup>۲</sup> به ۲۵ عامل مؤثر از جمله جداول طبقه‌بندی شده و عوامل کمکی در امر نمایه‌سازی اشاره کرده است و بیان می‌دارد که به کار گماردن متخصص موضوعی به عنوان نمایه‌ساز متبحر در این رشته، می‌تواند همگونی را به میزان قابل توجهی بهبود بخشد (تار و بورکو، ۱۹۷۴، ص ۵۵-۵۰؛ زاند و دکستر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۴).

لئونارد<sup>۴</sup> نیز در رساله دکترای خود به بررسی همگونی نمایه‌سازی می‌پردازد و چنین نتیجه می‌گیرد که رابطه‌ای مثبت و مستقیم بین همگونی نمایه‌سازی و موفقیت در امر بازیابی وجود دارد. یعنی هر قدر میان نمایه‌سازان در زمینه تعیین اصطلاحات، همگونی و توافق بیشتر باشد بازیابی اطلاعات در متون سهل‌تر صورت می‌گیرد (لئونارد، ۱۹۷۷، ص ۳۳).

مارکی<sup>۵</sup> (۱۹۸۴، ص ۱۵۵-۱۷۵) نیز بحث مفصلی را درباره عوامل مورد اشاره در

---

1. Perschel

2. Tar & Borko

3. Zund & Dexter

4. Leonard

5. Markey

مطالعات قبلی ارائه می‌دهد و بیان می‌دارد که تنوع در نتایج و یافته‌های محققان در زمینه میزان همگونی میان نمایه‌سازان بسیار است و بسته به اینکه کدام یک از ۲۵ عامل اثرگذار بر میزان همگونی (نظیر خوانایی متن، روش سازماندهی، خستگی زمان کار یا سروصدا در محیط کار، و جز آن) اثر کرده باشند به نسبت‌هایی از ۴ درصد تا ۸۲ درصد ناهمگونی اشاره می‌کند.

کرنز<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) در مقاله‌ای با عنوان <نیاز به همگونی رکوردهای کتابشناختی برای استفاده از نرم‌افزار ریزرایانه > پیشینه‌های کتابشناختی برای نرم‌افزار میکروکامپیوتر در فهرست مشترک پیوسته ا.سی.ال.سی. را مورد مطالعه قرار داده است تا نیاز به ایجاد همگونی در فهرست‌نویسی را بررسی کند. به این منظور قواعد AACR<sub>2</sub> و راهنمای ALA برای نرم‌افزارهای رایانه‌ای فهرستنویسی را مورد مذاقه قرار داده است تا نقاط قوت و ضعف احتمالی آن را بررسی و در ویرایش‌های بعدی این راهنماها اعمال نماید. در سال ۱۹۸۹، جان<sup>۲</sup> به بررسی چگونگی بهره‌گیری نمایه‌سازان از سرعنوان موضوعی پرداخته و از این نظر میزان همگونی را در پیشینه‌های کتابشناختی مارک مورد مطالعه قرار داده و کتابخانه کنگره را با دیگر کتابخانه‌ها مقایسه کرده است.

گلاک<sup>۳</sup> در تحقیقی (۱۹۹۰، ص ۴۳-۶۰) به مسائلی از قبیل تنوع و گونه‌گونی در آوانگاری، تلفظ و املاء، عدم یکدستی در عناصر اطلاعاتی، و ترکیب‌های ناهمگون از عناصر اطلاعاتی در پیشینه‌ها اشاره می‌کند.

یاسار تونت<sup>۴</sup> (۱۹۹۱) در مقاله‌ای به بررسی میزان همگونی نمایه‌سازی و امکان تأثیرگذاری آن بر بازیابی اطلاعات پرداخته و به همین جهت نمایه‌سازی دو کتابخانه کنگره و کتابخانه بریتانیا را با یکدیگر مقایسه کرده است. ارزیابی همگونی موضوع‌ها در این بررسی، بر روی ۸۲ عنوان کتاب مربوط به حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی که در ۱۹۸۷ انتشار یافته انجام گرفته است. بدین منظور، سرعنوان‌های موضوعی هر عنوان که

1. Kranz

2. John

3. Gluck

4. Yasar Tonta

توسط فهرست‌نویسان کتابخانه‌های فوق تعیین شده در کتابخانه کنگره ثبت شده و مورد مقایسه قرار گرفته است. همچنین با استفاده از تساوی هوپر (همگونی نظیر به نظیر)<sup>۱</sup> ارزش متوسط همگونی در نمایه‌سازی به میزان ۱۶ درصد برای هماوردهای صریح<sup>۲</sup> و ۳۶ درصد برای هماوردهای نسبی<sup>۳</sup> محاسبه شده است. با بررسی عناوین و سرعنوان‌های موضوعی مربوط، معلوم شد که نمایه‌سازان تعبیر متفاوتی برای رکورد واحدی داشته‌اند. به عبارت دیگر، از نظر گزینش اصطلاح مرجح با یکدیگر اختلاف دارند (توتتا، ۱۹۹۱، ص ۱۷۷-۱۸۱). این تحقیق همچنین نشان داد که کتابخانه کنگره برای هر عنوان به طور متوسط ۳/۴۴ اصطلاح موضوعی تعیین کرده است که این نسبت در کتابخانه بریتانیا برابر ۱/۵۵ بوده است.

در تحقیق دیگری، مارتا راسل<sup>۴</sup> (۱۹۹۱) به بررسی میزان همگونی در سرعنوان موضوعی در زمینه موضوعات مربوط به جوانان پرداخته و به این منظور سرعنوان‌های موضوعی سیرز و کنگره را در این مورد با یکدیگر مقایسه کرده است. در این تحقیق به موارد ناهمگون در بخش‌های فرعی زبان فرانسوی، اسپانیایی، و حوزه ادبیات اشاره شده است.

ژیرال و تیلور<sup>۵</sup> در تحقیق خود، در سال ۱۹۹۳، تلاش کرده‌اند که به سنجش میزان همگونی میان نمایه‌سازان پردازند. در این تحقیق، غرض از همگونی میان نمایه‌سازان، سنجش کلی میزان توافقی است که میان دو یا چند نمایه‌ساز در انتساب نمادها یا اصطلاحات به مدرکی واحد وجود دارد. این تعریف را مؤلفان فوق، خود از مارکی گرفته‌اند. آنها در بررسی خود که تحت عنوان <همپوشانی و همگونی میان نمایه Avery برای مجلات معماری و نمایه نشریات معماری> به عمل آورده‌اند به این نتیجه دست یافته‌اند که فقط ۷/۱ واژه‌ها عیناً در دو نمایه برای مدارک یکسان به کار رفته است. برای

---

1. Consistency of a pair

2. Exact matches

3. Partial matches

4. Martha A. Russell

5. Giural & Taylor

ترکیب اصطلاحات (نظیر وارونه‌سازی، استفاده از تقسیم فرعی، یا به کار بردن به شکل توضیحگر واژه‌ها) فقط ۷/۶ درصد همگونی مشاهده شده است؛ و نیز در مورد اولویت واژه‌ها ۳۹/۷ درصد همگونی وجود داشته است (ژیرال، ۱۹۹۳).

دوروتی گریگور<sup>۱</sup> و کارول مندل<sup>۲</sup> مقاله‌ای با عنوان <فهرست‌نویسی باید تغییر کند<sup>۳</sup>> منتشر کردند که سبب معطوف شدن توجه عموم به این مسئله گردید. آنها اشاره می‌کنند که فقط ۱۰ تا ۲۰ درصد فهرست‌نویسان با سرعنوان‌های موضوعی مندرج در سرعنوان موضوعی کتابخانه کنگره توافق دارند؛ زیرا موضوع‌ها از همگونی و سازگاری لازم برخوردار نیستند. اما، در سال ۱۹۹۷، مان<sup>۴</sup> با استناد به مقاله گریگور و مندل به این نتیجه رسید که سبب این ناهمگونی عدم استفاده از واژگان کنترل شده مانند فرهنگ‌های جامع یا سرعنوان‌های موضوعی بوده است (مان، ۱۹۹۷).

اولسن<sup>۵</sup> در مقاله‌ای با نام <مستندسازی در قرن ۲۱> به نقل از متخصصان علوم سیاسی اشاره می‌کند که علم مستندسازی، در واقع، ناگزیر ساختن افراد به تبعیت و قبول قواعد است (اولسن، ۲۰۰۲، ص ۲). این مدل حاکمیت - تبعیت در فهرست‌های کتابخانه‌ای بدان معناست که مدخل‌های پیشینه‌های کتابشناختی با شناسه‌های رکوردهای مستند همانند باشد. فهرست مستند، در واقع، استفاده از نظام‌های معیار و محدودی را برای ارائه اطلاعات اجتناب‌ناپذیر می‌سازد و سبب می‌شود که وحدت بر شیوه عرضه اطلاعات حاکم باشد و از گسستگی و گوناگونی پرهیز گردد. فرض نظام‌هایی که از فهرست مستند استفاده می‌کنند آن است که چنین زبانی که مورد قبول همگان است برای غلبه بر آشفتگی شیوه‌های عرضه اطلاعات در بازیابی مؤثر الزام‌آور است (اولسن، ۲۰۰۲، ص ۲). وی معتقد است که قواعد کاتر از جمله مصادیق زبان معیار برای دستیابی موضوعی است که مورد استفاده در فهرست‌های کتابخانه‌ای قرار

1. Dorothy Gregor

2. Carol Mandel

3. Cataloging must Change

4. Mann. T.

5. Olson



گیرند. هر عنصر مشترک یا موضوع، در فهرست مستند موضوعی به شکلی واحد منعکس می‌شود و این شناسه‌های موضوعی از طریق ارجاعات به ساختاری مشخص پیوند می‌یابند (اولسن، ۲۰۰۲، ص ۳-۴).

## روش کار

۱. تعداد عناوین حوزه ایرانی‌شناسی در هریک از کتابخانه‌ها در سال‌های ۶۲-۷۶ شناسایی و فیش‌برداری شد.<sup>۱</sup> سپس عناوین استخراج شده از کتابخانه‌ها کدگذاری و در یکدیگر ادغام گردید. عناوین مشابه با کتابخانه ملی حفظ، و عناوین دیگر حذف شد؛
۲. هریک از عناصر موضوعی مورد مقایسه قرار گرفت و با استفاده از فرمول هوپر تجزیه و تحلیل گردید؛
۳. نتایج به دست آمده بر حسب رده‌های موضوعی و کد کتابخانه‌ها مورد بحث قرار گرفت.

## جامعه آماری و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

جامعه آماری شامل کتابخانه‌های دانشگاهی و مراکز پژوهشی شهر تهران است که به نظر می‌رسید به دلیل حوزه مورد تحقیق بیشترین آثار مربوط به ایران را دربر داشته باشند. اسامی کتابخانه‌های مورد پژوهش، حجم کتاب‌های حوزه ایرانی‌شناسی، و عناوین مشترک آنها با کتابخانه ملی در جدول شماره ۱ آمده است.

---

۱. کتابشناسی ملی ایران از سال ۱۳۶۲ به صورت متمرکز در کتابخانه ملی تدوین گردید و قبل از آن با فهرستبرگه‌های مرکز خدمات کتابداری و کتابخانه پهلوی (سابق) همراه بود که از یکدستی برخوردار نبوده، به همین منظور آغاز تحقیق حاضر به سال ۱۳۶۲ بازمی‌گردد. از آنجا که در اواسط ۱۳۷۶، فهرستنویسی پیش از انتشار (فیبا) به صورت قانونی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی لازم‌الاجرا گردید و ناشران ملزم به دریافت فهرستبرگه از کتابخانه ملی شدند، لذا به نظر رسید که این حرکت به عنوان متغیر دخیل در میزان همسویی تأثیرگذار باشد، به همین منظور محدوده تحقیق تا سال ۱۳۷۶ را در بر گرفت.

جدول ۱. میزان همپوشانی منابع ایران‌شناسی کتابخانه‌های مورد بررسی با کتابخانه ملی

زوج‌های مشترک با ک.م		موجودی ایران‌شناسی	کدها	اساسی کتابخانه‌های مورد بررسی
درصد	تعداد		ک.م	
		۲۷۲۲۹		کتابخانه ملی جمهوری اسلامی
۳۹/۳	۱۹۲۴	۴۵۸۵	۱	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
۱۲/۵۵	۶۱۴	۳۵۱۵	۲	پژوهشگاه علوم انسانی
۴/۱	۲۰۰	۴۶۴۲	۳	دانشکده ادبیات و علوم انسانی
۱/۱۲	۵۵	۶۲۳	۴	انجمن حکمت و فلسفه
۴/۶۶	۲۲۸	۱۲۹۵	۵	دایرةالمعارف بزرگ اسلامی
۷/۸	۳۷۱	۷۴۰	۶	مرکز مطالعات عالی و بین‌المللی
۷/۶۴	۳۷۴	۱۱۱۰	۷	کتابخانه دکتر مینوی
۸/۹	۴۳۵	۱۹۷۸	۸	دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۶/۹	۳۳۹	۱۸۲۰	۹	دانشکده هنرهای زیبا
۰/۸	۲۹	۳۵۷	۱۰	سازمان میراث فرهنگی
۴/۳	۲۱۲	۱۴۹۷	۱۱	کتابخانه مجلس
۲/۳	۱۱۲	۳۸۱	۱۲	کتابخانه استاد دانش‌پژوه
۱۰۰	۴۸۹۳	۴۱۷۷۲	مجموع	

طبق داده‌های این جدول بیشترین موجودی مرتبط با ایران‌شناسی به ترتیب اولویت به دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، دانشکده حقوق، دانشکده هنرهای زیبا، کتابخانه مجلس، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، کتابخانه استاد مینوی، کتابخانه مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، انجمن حکمت و فلسفه، کتابخانه استاد دانش‌پژوه، و کتابخانه سازمان میراث فرهنگی اختصاص دارد که جمعاً ۴۹,۷۷۲ عنوان را شامل می‌شود. اما پس از مقایسه این عناوین با کتابخانه ملی و تفکیک عناوین مشابه، سهم هر یک از کتابخانه‌ها از عناوین مشترک تغییر پیدا کرد که به ترتیب اولویت عبارتند از: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، دانشکده حقوق، کتابخانه مرحوم مینوی، کتابخانه مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، کتابخانه مجلس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی،

کتابخانه استاد دانش پژوه، انجمن حکمت و فلسفه، و سازمان میراث فرهنگی. بنابراین سهم کتابخانه‌های فوق پس از حذف عناوین غیرمشابه به ۴,۸۹۳ عنوان رسید. طبق داده‌های جدول شماره ۲ سهم عناوین مشابه در کتابخانه‌های مورد بررسی و در هریک از ده رده موضوعی به شرح زیر است:

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بیشترین عناوین مشابه را به ترتیب در تاریخ و جغرافیا، ادبیات، علوم اجتماعی، هنر، فلسفه، دین، کلیات، زبان، علوم عملی، و علوم محض داشته است؛

کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی بیشترین عناوین مشابه را در تاریخ و جغرافیا، ادبیات، علوم اجتماعی، هنر، کلیات، دین، فلسفه، زبان و علوم به‌طور مساوی، و علوم عملی داشته است؛

کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی نیز بیشترین عناوین مشابه را در تاریخ و جغرافیا، ادبیات، علوم اجتماعی و هنر به‌طور مساوی، زبان، دین، کلیات و علوم محض به‌طور مساوی داشته است؛

همچنین انجمن حکمت و فلسفه در تاریخ و جغرافیا و ادبیات به‌طور مساوی، علوم اجتماعی، هنر، و فلسفه؛

مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی در تاریخ و جغرافیا، ادبیات، هنر، دین، علوم اجتماعی، کلیات، زبان و علوم محض به‌طور مساوی، فلسفه، و علوم عملی؛

مرکز مطالعات عالی بین‌المللی در تاریخ و جغرافیا، علوم اجتماعی، ادبیات، کلیات، فلسفه و دین به‌طور مساوی، و زبان؛

کتابخانه مرحوم مینوی در تاریخ و جغرافیا، ادبیات، علوم اجتماعی، دین، هنر، کلیات، و علوم محض، علوم عملی، و زبان؛

دانشکده حقوق در تاریخ و جغرافیا، علوم اجتماعی، ادبیات، کلیات، دین، زبان، علوم عملی، فلسفه، و هنر؛

دانشکده هنرهای زیبا در تاریخ و جغرافیا، ادبیات، هنر، علوم اجتماعی، دین، کلیات، علوم عملی، زبان و علوم محض به‌طور مساوی، و فلسفه؛

سازمان میراث فرهنگی در تاریخ و جغرافیا، هنر، ادبیات، علوم اجتماعی، کلیات و دین به‌طور مساوی؛ کتابخانه مجلس در تاریخ و جغرافیا، ادبیات، علوم اجتماعی و هنر به‌طور مساوی، علوم محض و زبان به‌طور مساوی، کلیات، دین، و علوم عملی؛ کتابخانه استاد دانش پژوه نیز بیشترین عناوین مشابه را به ترتیب اولویت در تاریخ و جغرافیا، ادبیات، کلیات، علوم اجتماعی، دین، فلسفه و علوم محض به‌طور مساوی داشته است.

جدول ۲. توزیع سهم کتابخانه‌ها از عناوین مشترک ایران‌شناسی بر اساس رده‌های موضوعی

نوع کتابخانه	ناهمگونی در تعداد موضوع		ناهمگونی در ساختار		ناهمگونی در ترتیب		ناهمگونی کلی		همگون		بدون موضوع		مشترک با ک.م
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱	۵۷/۴۳	۱۱۰۵	۳۰/۹۷	۵۹۶	۲۲	۴۲۳	۴/۱۶	۸۰	۱۲/۰۵	۲۳۲	۵/۵۱	۱۰۶	۱۹۲۴
۲	۴۷/۴	۲۹۱	۴۳/۹۷	۲۷۰	۱۷/۳۶	۱۰۶	۲/۶	۱۶	۲۳/۴۵	۱۴۴	۱۴/۸۲	۹۱	۶۱۴
۳	۴۵	۹۰	۳۷/۵	۷۵	۱۹	۳۸	۹/۵	۱۹	۳۲	۶۴	-	-	۲۰۰
۴	۳۷/۳۶	۲۰	۳۷/۳۶	۲۰	۱۲	۲۱/۸	-	-	۲۵/۴۵	۱۴	-	-	۵۵
۵	۴۶/۹۲	۱۰۷	۴۶/۹۲	۱۰۷	۱۷/۵۴	۴۰	۳/۴۴	۹	۱۶/۲۲	۳۷	۱۹/۷۳	۴۵	۲۲۸
۶	۵۱/۷۵	۱۹۲	۵۸/۵	۲۱۷	۲۴/۵۲	۹۱	۵/۱۲	۱۹	۲۰/۵	۷۶	۴/۳	۱۶	۳۰۱
۷	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۰۰	۳۷۴	۳۷۴
۸	۶۴/۳۶	۲۸۰	۷۵/۴	۳۲۸	۲۷/۳۵	۱۱۹	۲/۳	۱۰	۱۷/۲۴	۷۵	۱/۱۵	۵	۴۳۵
۹	۷۰/۵	۲۳۹	۸۳/۱۸	۲۸۲	۲۶/۸۴	۹۱	۳/۵۴	۱۲	۱۴/۱۶	۴۸	۱/۷۷	۶	۳۳۹
۱۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۰۰	۲۹	۲۹
۱۱	۵۴/۷	۱۱۶	۱۰/۶	۵۱	۲۴/۰۵	۵۱	۱/۸۸	۴	۳۴/۹	۷۴	-	-	۲۱۲
۱۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۰۰	۱۱۲	۱۱۲

\* موجودی برگرفته از جدول شماره ۲ است.

\*\* درصدها هر بار با کل موجودی آن کتابخانه به‌طور مستقل سنجیده شده است.

جدول ۲. توزیع سهم کتابخانه‌ها از عناوین مشترک ایرانشناسی بر اساس رده‌های موضوعی

جمع	تاریخ و جغرافیا		ادبیات		هنر		علوم صحت		علوم طبیعی		زبان		علوم اجتماعی		دین		فلسفه		کلیات		کتابخانه	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۱۰۰	۱۹۲۱	۳۲/۰۸	۸۲۹	۱۸/۸۱	۳۱۲	۸	۱۵۱	۲/۴	۱۶	۱/۳۳	۱۳	۳/۰۶	۵۹	۱۱/۳۷	۳۳۸	۱/۴۱	۸۵	۱/۴۵	۲۸	۱/۱۶	۸۰	۱
۱۰۰	۶۱۴	۱۷/۸۸	۲۹۴	۳۲/۱۵	۱۴۱	۳۸	۵۸	۰/۸۱	۱	۰/۰۸	۵	۰/۸۱	۵	۸/۶۳	۵۳	۵/۱۱	۳۲	۱/۱۴	۷	۵/۵۳	۲۱	۲
۱۰۰	۲۰۰	۵/۱۵	۱۰۹	۱۱	۱۱	۷	۱۴	۱	-	۲	۰	۱۰	۷	۰	۱۴	۲/۵	۵	-	-	۱	۲	۳
۱۰۰	۵۵	۱/۱۵	۳۱	۳/۱۵	۱۹	۵/۰۹	۵	-	-	-	-	-	۱۱/۱۵	۸	-	-	-	۷/۲۵	۱	-	-	۱
۱۰۰	۲۲۸	۲۵/۵۲	۸۱	۲۰/۴	۷۰	۱۰/۰۸	۲۳	۱/۴	۲	۱/۴	۵	۲/۱	۱۳	۵/۴	۱۳	۷/۰۶	۱۶	۱/۱۹	۵	۲/۰۷	۷	۵
۱۰۰	۳۷۱	۷/۰۳	۳۱۱	۵/۸۲	۲۱	-	-	-	-	-	-	۱/۳۱	۵۸	۱۵/۶۳	۵۸	۱/۶	۶	۱/۸	۶	۲/۵	۱۳	۶
۱۰۰	۳۷۱	۱۱/۵۹	۲۳۱	۶/۱۱	۵۵	۳/۱۲	۱۳	۱/۳۳	۳	۱/۳۳	۵	۱/۳۱	۲۲	۵/۸۲	۲۲	۳/۹۶	۱۵	-	-	۱/۴	۹	۷
۱۰۰	۱۳۵	۱۸/۹۹	۲۱۳	۲۸/۳۱	۵۹	۸/۱۰	۱	-	۵	-	-	۱۶۱	۳۷/۰۶	۱۶۱	۱/۸۳	۸	۰/۸۱	۱	۱/۵۱	۱۱	۸	
۱۰۰	۳۳۹	۱۱/۳۱	۱۵۰	۱۹/۲۱	۸۸	۱۱/۸۱	۵۵	۷/۸۱	۵	۰/۸۱	۳	۰/۸۱	۱۵	۳/۸۳	۱۵	۳/۵۳	۱۲	۰/۳	۱	۱/۸۸	۶	۹
۱۰۰	۶۸	۱/۸/۶۱	۳۱	۳/۰۹	۴	۰/۵۸	۷	-	-	-	-	-	۷	۰/۸۱	۸	۳/۰۳	۱	-	-	۳/۱۱	۱	۱۰
۱۰۰	۱۱۱	۱/۱/۸	۱۳۱	۱۰/۸۱	۳۳	۸/۸	۹۱	۸/۳۰	۱	۲/۳	۷	۲/۳	۱۹	۸/۹۶	۱۹	۰/۸۱	۲	-	-	۱/۴۱	۳	۱۱
۱۰۰	۱۱۱	۳/۲/۸	۱۸	۱/۱۰	۱۱	-	-	۱/۵	۲	۱/۵	۲	-	۷	۶/۱۱	۷	۲/۵	۱	۱/۵	۲	۸/۵۷	۱۰	۱۲



پس از اینکه عناوین فوق در ده حوزه موضوعی طبقه‌بندی گردید، موضوع یا موضوع‌های اختصاص داده شده به این عناوین یک به یک با کتابشناسی ملی - به‌عنوان معیار - مورد سنجش قرار گرفت. این ارزیابی به دو جهت صورت گرفت: نخست اینکه مشخص شود موضوع یا موضوع‌های منتسب به مدارک چه تعداد بوده است و میانگین موضوعی در هریک از کتابخانه‌ها چیست. دوم اینکه هریک از کتابخانه‌های مورد بررسی از نظر موضوع‌های اختصاص داده شده به مدارک تا چه پایه با یکدیگر همگونی و شباهت دارند. بدین منظور، جداولی طراحی گردید و اطلاعات استخراج شده به ترتیب در محل خود ثبت شد (جدول ۳ و ۴).

برای پاسخ دهی به سؤال اول، در هریک از کتابخانه‌ها و در هر رده موضوعی تعداد عناوین موجود و تعداد موضوع‌های اختصاص داده شده با یکدیگر مقایسه گردید. همان‌طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد در کتابخانه "مرکزی دانشگاه تهران" بالاترین میانگین تعداد موضوع اختصاص داده شده به مدارک بین ۱/۵۵ - ۴/۶ درصد است؛ که بیشترین آن یعنی ۴/۶ به تاریخ و جغرافیا اختصاص یافته است. در این کتابخانه ۶۰ درصد رده‌های موضوعی کمتر از ۲ موضوع داشته‌اند، ۳۰ درصد رده‌های موضوعی دارای ۲ موضوع بوده‌اند، و نیز یک درصد دارای میانگین ۴/۶ موضوع است.

در کتابخانه "پژوهشگاه علوم انسانی" ۹۰ درصد رده‌های موضوعی دارای میانگین ۱/۷۵ - ۱/۴ موضوع است یعنی کمتر از دو موضوع و یک درصد ۲/۳ موضوع به مدارک منتسب کرده است که به حوزه فلسفه اختصاص دارد. در کتابخانه "دانشکده ادبیات"، ۸۰ درصد رده‌های کتابخانه‌ای کمتر از ۲ موضوع به مدارک خود داده‌اند، و تنها در دو حوزه کلیات و دین بین ۲ - ۲/۴ موضوع تعلق یافته است.

در کتابخانه "انجمن حکمت و فلسفه" از پنج رده موضوعی ۴ رده دارای میانگین بین ۲/۰۵ - ۳/۵ موضوع هستند و یک رده دارای میانگین ۱/۷۵ موضوع است. در کتابخانه "دایرالمعارف بزرگ اسلامی" ۹۰ درصد رده‌ها کمتر از ۲ موضوع به مدارک خود منتسب کرده‌اند و تنها در حوزه علوم عملی به ۳ عنوان، ده موضوع

اختصاص پیدا کرده است یعنی میانگین ۳/۳۳ موضوع. کتابخانه "مرکز مطالعات عالی بین‌المللی" در سه ردهٔ دین، علوم اجتماعی، و تاریخ و جغرافیا دارای میانگین بین ۲/۰۸-۲/۶ موضوع است، و به سایر رده‌ها همان طور که ملاحظه می‌گردد کمتر از ۲ موضوع اختصاص پیدا کرده است.

در کتابخانه "مرحوم مینوی" هیچ یک از رده‌های موضوعی دارای موضوع نیستند و اساساً این کتابخانه از مجرای دیگری برای بازیابی مدارک خود استفاده می‌کند.

در کتابخانه "دانشکده حقوق" سه ردهٔ علوم عملی، ادبیات، و تاریخ جغرافیا دارای میانگین موضوعی بین ۲/۲-۲/۴۸ هستند و سایر رده‌های موضوعی نیز کمتر از دو موضوع پیدا کرده‌اند.

در کتابخانه "هنرهای زیبا" ۳ ردهٔ فلسفه، علوم عملی، و هنر دارای میانگین موضوعی بین ۲/۹۶ تا ۳ هستند و کمتر از دو موضوع به مدارک سایر حوزه‌ها اختصاص داده شده است.

همچنین در دو کتابخانه دیگر نیز موضوعی به مدارک انتساب پیدا نکرده و از مجرای دیگری برای بازیابی اطلاعات بهره می‌جویند.

در کتابخانه "مجلس" تنها در یک ردهٔ تاریخ و جغرافیا ۲/۲ موضوع به مدارک اختصاص یافته است و ۹۰ درصد سایر رده‌ها کمتر از دو موضوع داشته‌اند.

چنانچه در ستون آخر سرجمع تعداد عناوین، موضوع، و میانگین تعلق یافته نشان می‌دهد: از مجموع ۱۲ کتابخانه ۵ کتابخانه (۴۱ درصد) دارای میانگین بین ۲/۰۳-۲/۹ موضوع بوده‌اند؛ ۴ کتابخانه (۳۳ درصد) دارای میانگین بین ۱/۴-۱/۸۵ موضوع هستند؛ و ۳ کتابخانه (۲۳ درصد) نیز از مجرای دیگری برای بازیابی اطلاعات سود جستند.



نوع کتابخانه	ناهمگونی در تعداد موضوع		همگون		ناهمگونی کلی		ناهمگونی در ترتیب		ناهمگونی در ساختار		ناهمگونی در		مشترک با ک.م
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱	۱۱۰۵	۵۷/۴۳	۲۳۲	۱۲/۰۵	۸۰	۴/۱۶	۲۲	۴۲۳	۳۰/۹۷	۵۹۶	۵۷/۴۳	۱۹۲۴	
۲	۲۹۱	۴۷/۴	۱۴۱	۲۳/۴۵	۱۶	۲/۶	۱۷/۲۶	۱۰۶	۴۳/۹۷	۲۷۰	۴۷/۴	۶۱۴	
۳	۹۰	۴۵	۳۲	۳۲	۱۹	۹/۵	۱۹	۳۸	۳۷/۵	۷۵	۴۵	۲۰۰	
۴	۲۰	۳۶/۳۶	۱۱	۲۵/۴۵			۲۱/۸	۱۲	۳۶/۳۶	۲۰	۳۶/۳۶	۵۵	
۵	۱۰۷	۴۶/۹۲	۳۷	۱۶/۲۲	۹	۳/۹۴	۳۵/۵۴	۴۰	۴۶/۹۲	۱۰۷	۴۶/۹۲	۲۲۸	
۶	۱۹۲	۵۱/۷۵	۷۶	۲۰/۵	۱۹	۵/۱۲	۲۴/۵۲	۹۱	۵۸/۵	۲۱۷	۵۱/۷۵	۲۰۱	
۷	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۳۷۴	
۸	۲۸۰	۶۴/۳۶	۷۵	۱۷/۲۴	۱۰	۲/۳	۲۷/۳۵	۱۱۹	۷۵/۴	۳۲۸	۶۴/۳۶	۴۳۵	
۹	۲۳۹	۵۰/۷۵	۴۸	۱۴/۱۶	۱۲	۳/۵۴	۲۶/۷۴	۹۱	۸۳/۱۸	۲۸۲	۵۰/۷۵	۳۳۹	
۱۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲۹	
۱۱	۱۱۶	۵۴/۷	۷۴	۳۴/۹	۴	۱/۸۸	۲۴/۰۵	۵۱	۵۰	۱۰۶	۵۴/۷	۲۱۲	
۱۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۱۲	

\* موجودی برگرفته از جدول شماره ۳ است.

\*\* درصدها هر بار با کل موجودی آن کتابخانه به طور مستقل سنجیده شده است.

#### جدول ۴. توزیع ناهمگونی عناصر موضوعی در کتابخانه‌های مورد بررسی

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد یکی دیگر از شرایط لازم برای جامعیت بازیابی موضوعی اطلاعات، داشتن همسویی و یکدستی در موضوع‌های ذخیره شده است. جهت بررسی میزان این همگونی در کتابخانه‌ها، بار دیگر موضوع‌های اختصاص داده شده به مدارک به این لحاظ مورد مذاقه قرار گرفت و هریک از عناصر موضوعی از نظر تعداد، ساختار موضوع، و ترتیب و اولویت موضوعی دوبه‌دو با یکدیگر مطابقت داده شد.

داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که در کتابخانه "مرکزی دانشگاه تهران" از مجموع عناوین مشابه در حوزه ایرانشناسی ۱۱۰۵ عنوان یعنی ۵۷/۴۳ به لحاظ تعداد موضوع

ناهمگونی دارند. همچنین ۵۹۶ عنوان یعنی ۳۰/۹۷ درصد از نظر ساختار موضوع با یکدیگر اختلاف داشته‌اند. ۴۲۳ عنوان (۲۲ درصد) اولویت‌بندی متفاوتی را برای موضوع‌ها به کار برده‌اند؛ ۸۰ عنوان (۴/۱۶ درصد) از موضوعات دیگری پیروی کرده و بدین لحاظ در کل ناهمگون بوده‌اند. همچنین از مجموعه فوق ۱۰۶ عنوان (۵/۵۱ درصد) فاقد موضوع بوده است. ۲۳۲ عنوان (۱۲/۰۵ درصد) از همگونی نظیر به نظیر برخوردار است.

در کتابخانه "پژوهشگاه علوم انسانی" ۴۷/۴ درصد دارای ناهمگونی در تعداد موضوع هستند، ۲۷۰ عنوان (۴۳/۹۷ درصد) از نظر ساختار؛ و ۱۰۶ عنوان (۱۷/۲۶ درصد) در ترتیب موضوع و اولویت دادن به آن یکسان عمل نکرده‌اند. ۱۶ عنوان (۲/۶ درصد) دارای موضوع‌های متفاوتی هستند و اساساً ناهمگونی دارند. همچنین ۹۱ عنوان (۱۴/۸۲ درصد) فاقد موضوع هستند و تنها ۱۴۴ عنوان (۲۳/۴۵ درصد) از همگونی برخوردار است.

در کتابخانه "دانشکده ادبیات و علوم انسانی" از مجموع ۲۰۰ عنوان مشابه، ۹۰ عنوان یعنی ۴۵ درصد در تعداد موضوع ناهمگونی دارند. ۷۵ عنوان از همان تعداد نیز از ساختار موضوعی دیگری استفاده کرده‌اند و بدین لحاظ دارای ۳۷/۵ درصد ناهمگونی هستند. از نظر اولویت دهی به موضوع، ۳۸ عنوان (۱۹ درصد) دارای ناهمگونی هستند. همچنین ۱۹ عنوان یعنی ۹/۵ درصد اساساً از موضوع دیگری تبعیت کرده‌اند و به طور کلی ناهمگونی داشته‌اند. از مجموع عناوین مشابه در این کتابخانه ۶۴ عنوان (۳۲ درصد) از همگونی نظیر به نظیر خود در موضوع برخوردار است. به عبارت دیگر این کتابخانه در ۶۸ درصد عناوین ناهمگون و در ۳۲ درصد همگونی دارد.

در کتابخانه "انجمن حکمت و فلسفه" از مجموع ۵۵ عنوان مشابه، ۲۰ عنوان یعنی ۳۶/۳۶ درصد به طور مساوی از نظر تعداد و ساختار موضوع دارای ناهمگونی هستند. ۱۲ عنوان (۲۱/۸ درصد) از نظر اولویت و ترتیب موضوع‌ها با یکدیگر اختلاف دارند؛ و ۱۴ عنوان یعنی ۲۵/۴۵ درصد عیناً از همان موضوع بهره‌جسته‌اند یعنی دارای همگونی هستند. به عبارت دیگر در این کتابخانه ۷۴/۵ درصد ناهمگونی موضوعی و ۲۵/۵

درصد دارای همگونی هستند.

در کتابخانه "دایرةالمعارف بزرگ اسلامی" از مجموع ۲۲۸ عنوان مشابه، ۱۰۷ عنوان یعنی ۴۶/۹۲ درصد به طور مساوی از نظر تعداد و ساختار موضوع با یکدیگر مغایرینند. ۴۰ عنوان یعنی ۱۷/۵۴ درصد در اولویت دادن به موضوعها و ترتیب آنها یکسان عمل نکرده‌اند، و ۹ عنوان نیز به طور کل از موضوعهای دیگری استفاده کرده است (۳/۹۴). ۳۷ عنوان (۱۶/۲۲ درصد) از مجموعه فوق از همگونی نظیر به نظیر خود برخوردار است. ۴۵ عنوان (۱۹/۷۳ درصد) نیز فاقد موضوع بوده‌اند. به بیان دیگر این کتابخانه دارای ۶۳/۵ درصد ناهمگونی، ۱۹/۷۳ درصد فاقد موضوع، و ۱۶/۲۲ درصد همگونی در موضوع است.

همچنین از مجموع ۳۷۱ عنوان مشابه در کتابخانه "مرکز مطالعات عالی بین‌المللی" ۲۱۷ عنوان (۵۸/۵ درصد) به لحاظ ساختار موضوعی دارای ناهمگونی است. پس از آن، ناهمگونی در تعداد موضوعهای اختصاص داده شده به مدارک قرار دارد یعنی ۱۹۲ عنوان (۵۱/۷۵ درصد). ناهمگونی در ترتیب موضوعها ۹۱ عنوان (۲۴/۵۲ درصد) را به خود اختصاص داده است. همچنین ۱۹ عنوان (۵/۱۲ درصد) اساساً از موضوعات دیگری پیروی کرده است. ۱۶ عنوان (۴/۳ درصد) نیز فاقد موضوع بوده‌اند. از تعداد عناوین پیش‌گفته ۷۶ عنوان (۲۰/۵ درصد) از همگونی موضوعی برخوردار بوده است. بنابراین می‌توان دریافت که سهم این کتابخانه در میزان ناهمگونی ۷۵/۳ درصد است.

در کتابخانه "دانشکده حقوق" از مجموع ۴۳۵ عنوان مشابه، ۳۲۸ عنوان یعنی ۷۵/۴ درصد به لحاظ ساختار موضوعی دارای ناهمگونی هستند. همچنین ۲۸۰ عنوان (۶۴/۳۶ درصد) در تعداد موضوع و ۱۱۹ عنوان (۲۷/۳۵ درصد) در اولویت دهی به موضوع با یکدیگر اختلاف دارند. ۱۰ عنوان (۲/۳ درصد) نیز از موضوعهای دیگری تبعیت کرده و بدین لحاظ اساساً ناهمگون هستند. از مجموعه عناوین فوق ۷۵ عنوان (۱۷/۲۴ درصد) از همگونی نظیر به نظیر خود در موضوعات بهره‌مندند. ۵ عنوان (۱/۱۵ درصد) نیز فاقد موضوع هستند. به این اعتبار سهم این کتابخانه در میزان ناهمگونی ۸۱/۶۱ درصد است که اگر کتابهای بدون موضوع بدان اضافه گردد این

رقم بیشتر نیز خواهد شد.

کتابخانه "دانشکده هنرهای زیبا" از مجموع ۳۳۹ عنوان، در ۲۸۲ عنوان (۸۳/۱۸ درصد) ناهمگونی در ساختار موضوع دارد. همچنین ۲۳۹ عنوان (۷۰/۵ درصد) در تعداد موضوع و ۹۱ عنوان (۲۶/۸۴ درصد) در ترتیب موضوع مغایرت دارند. ۱۲ عنوان (۳/۵۴ درصد) نیز از موضوع‌های دیگر سود برده‌اند و بدین لحاظ به‌طور کلی ناهمگون‌اند. از این مجموعه ۴۸ عنوان (۱۴/۱۶ درصد) از همگونی نظیر به نظیر خود برخوردار است و ۶ عنوان (۱/۷۷ درصد) نیز فاقد موضوع است. به عبارت دیگر ۸۴/۰۷ موضوع‌های داده شده به مدارک دارای ناهمگونی، ۱/۷۷ درصد فاقد موضوع، و ۱۴/۱۶ درصد همگون‌اند.

در کتابخانه مجلس از مجموع ۲۱۲ عنوان مشابه، ۱۱۶ عنوان (۵۴/۷ درصد) به لحاظ تعداد موضوع، ۱۰۶ عنوان (۵۰ درصد) از نظر ساختار موضوعی، و ۵۱ عنوان (۲۴/۰۵ درصد) در اولویت دهی به موضوع دارای ناهمگونی هستند. ۴ عنوان (۱/۸۸ درصد) به سبب آنکه از موضوع‌های دیگری استفاده کرده به‌طور کل ناهمگون است. از مجموع عناوین پیش‌گفته ۷۴ عنوان (۳۴/۹ درصد) از همگونی نظیر به نظیر خود برخوردار است. سه کتابخانه دیگر فاقد موضوع است و از مجرای دیگری برای بازیابی اطلاعات استفاده می‌کند.

یافته‌ها همچنین نشان داد که از مجموع کتابخانه‌های مورد بررسی، ۹ کتابخانه دارای ناهمگونی موضوعی در هر یک از عناصر موضوعی، بوده‌اند. این ناهمگونی‌ها در هفت کتابخانه به ترتیب از بیشترین ناهمگونی عبارت است از ناهمگونی در تعداد، ناهمگونی در ساختار و ناهمگونی در ترتیب موضوع، همچنین ناهمگونی‌های مورد اشاره در دو کتابخانه به ترتیب از بیشترین مقدار در ساختار موضوعی، در تعداد موضوع، و ترتیب موضوع رخ داده است. سه کتابخانه فاقد موضوع بوده و از مجرای دیگری برای بازیابی اطلاعات سود جسته است. به بیان دیگر ۷۵ درصد کتابخانه‌ها دارای ناهمگونی نسبی بوده‌اند که ۵۸ درصد آنها به ترتیب اولویت در تعداد، ساختار، و ترتیب موضوعی ناهمگونی داشته‌اند؛ و در ۱۶/۶ درصد کتابخانه‌ها، ناهمگونی در ساختار موضوعی در

مرتبه نخست و ناهمگونی در تعداد موضوع، و اولویت‌دهی به موضوع‌ها به ترتیب در مراتب بعدی قرار گرفته‌اند. همچنین ۶۶/۶ درصد کتابخانه‌ها نسبت به شاخص سنجش، از موضوعات دیگری بهره گرفته‌اند و بدین ترتیب دارای ناهمگونی کلی بین ۱/۸۸-۹/۵ درصد بوده‌اند.

با سرجمع کردن ناهمگونی‌های نسبی (ناهمگونی در اجزای موضوع) و ناهمگونی کلی، میزان ناهمگونی در کتابخانه‌ها به دست آمد که به شرح زیر خلاصه می‌گردد:

- کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. این کتابخانه دارای ۸۲/۴۳ درصد ناهمگونی و ۱۲/۰۵ درصد همگونی در موضوع است. با استفاده از فرمول همگونی هوپر میزان همگونی تابع تساوی زیر خواهد بود:

$$CP(\%) = \frac{A}{A+M+N}$$

میزان همگونی دو طرف که با درصد بیان می‌شود = CP

A = میزان توافق در موضوع‌دهی

M = تعداد عناصر به کار رفته در ک.م

J = تعداد عناصر به کار رفته در دیگری

که نوع تعدیل شده آن به شکل زیر خواهد بود:

$$CP(\%) = \frac{M \cap J_1}{M \cup J_1} = \frac{\text{تعداد عناصر همگون}}{\text{کل عناصر مشترک}}$$

بنابراین:

$$\Rightarrow \frac{232}{1924} = 12/05 \text{ میزان همگونی}$$

- کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی. در این کتابخانه ۶۱/۷۲ درصد موضوع‌ها ناهمگونی داشته‌اند. با استفاده از فرمول هوپر میزان همگونی در این کتابخانه ۲۳/۴۵ درصد است. یعنی ۱۴۴ عنوان تقسیم بر ۶۱۴ عنوان مشترک برابر خواهد بود با ۲۳/۴۵ درصد.

- کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی. در این کتابخانه ۶۸ درصد موضوع‌ها ناهمگونی و عدم یکدستی داشته‌اند. با استفاده از فرمول هوپر میزان توافق در

- موضوع‌دهی به کتاب‌ها  $\frac{۶۴}{۳۰۰}$  یعنی ۳۲ درصد است.
- کتابخانه انجمن حکمت و فلسفه. در این کتابخانه ۷۴/۵۴ درصد موضوع‌ها فاقد یکدستی بوده‌اند. همچنین با استفاده از فرمول هوپر میزان توافق و همگونی  $\frac{۱۴}{۵۵}$  یعنی ۲۵/۴۵ درصد بوده است.
  - کتابخانه مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. این کتابخانه در ۶۴/۰۳ درصد دارای ناهمگونی در موضوع بوده است. همچنین در فرمول پیشگفته،  $\frac{۳۷}{۲۲۸}$  یعنی ۱۶/۲۲ درصد همگونی مشاهده شده است.
  - کتابخانه مرکز مطالعات عالی و بین‌المللی. سهم این کتابخانه در میزان ناهمگونی ۷۵/۲ درصد و در همگونی و یکدستی موضوع‌ها ۲۰/۵ درصد است.
  - کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی. این کتابخانه نیز در ۸۱/۶ درصد دارای ناهمگونی و عدم یکدستی و ۱۷/۲۴ درصد همگونی و یکدستی کامل در موضوع را دارا بوده است.
  - کتابخانه دانشکده هنرهای زیبا. سهم این کتابخانه در میزان ناهمگونی ۸۴/۰۷ درصد و در همگونی و یکدستی کامل ۱۴/۱۶ درصد بوده است.
  - کتابخانه مجلس. در این کتابخانه نیز با استفاده از فرمول هوپر، ۶۵/۱ درصد ناهمگونی موضوعی و ۳۴ درصد همگونی و یکدستی کامل مشاهده شده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در مروری بر مطالعات پیشین نیز بدان اشاره شد در تحقیقات گذشته پیوسته بر استفاده از واژگان کنترل شده به منظور ابزاری برای کاهش ناهمگونی تأکید شده است (تار و بورکو، ۱۹۷۴، ص ۵۰-۵۵؛ کوروتکین و الیور، ۱۹۶۴؛ تینکر، ۱۹۷۰، ص ۵۴۷-۵۵۰) در حالی که در تحقیق حاضر این مسئله تأیید نمی‌شود زیرا فرض بر آن است که سرعنوان‌های موضوعی، به‌عنوان زبان معیار، در کتابخانه‌های مورد بررسی به کار گرفته می‌شود.

بسیار دشوار است که دو نفر که به کار فهرست‌نویسی اشتغال دارند یا حتی یک نفر در دو

دو زمان متفاوت، در باب موضوع مدرکی واحد به توافق برسند. در سال ۱۹۶۸، پاتریک ویلسون<sup>۱</sup> این مطلب را به تفصیل مورد بحث قرار داده است (ویلسون، ۱۹۸۵، ص ۳۱۲-۳۲۵). وی به این نکته اشاره می‌کند که روش‌های افراد در فهم یک مطلب و موضوع نیز متفاوت است، و روش‌های متفاوت درک و فهم مطلب نیز الزاماً به درک واحدی از موضوع مدارک نمی‌انجامد. مطالعاتی می‌توان یافت که برناهمگونی در درک موضوع متون توسط افراد مختلف تأکید ورزیده‌اند (لیلی<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶).

مفهوم همگونی، به تعبیری دیگر، با مفهوم ربط نیز پیوند دارد. معمولاً ربط را شاخص همبستگی میان نظام اطلاعاتی و جوینده اطلاعات می‌دانند، اما می‌توان میان توصیفگرهای موضوعی و محتوای مدرک نیز چنین پیوستگی را مورد ارزیابی قرار داد. هر فردی که به سازماندهی می‌پردازد، برای محتوای مدرک، توصیفگر یا سرعنوانی را برمی‌گزیند که می‌پندارد منعکس‌کننده مفهوم و مضمون آن مدرک است. طبعاً رابط میان یک مفهوم یا مضمون و اصطلاح گزیده شده برای بیان آن، از جمله مسائل مهم در فهرستنویسی یا هرگونه سازماندهی است. بدین ترتیب، زمانی که دو یا چند نفر، به طور جداگانه، توصیفگری را برای مدرکی واحد تعیین می‌کنند باور دارند که اصطلاح انتخاب شده آنها ناظر بر معنی و مضمون مدرک است. بنابراین، می‌توان گفت که میزان همگونی میان اصطلاحاتی که آنان برای مدرکی واحد برگزیده‌اند نشان می‌دهد که تا چه حد نسبت به دریافت و انعکاس درست مفاهیم مدرک اتفاق نظر داشته‌اند. با این تعبیر، همگونی، در واقع، درجه توافق سازمان‌دهندگان منابع در درک و انعکاس محتوای مدارک است. آنچه از تحقیق حاضر مشاهده گردید درجه ضعیف این توافق است که میان کتابخانه ملی با سایر کتابخانه‌ها وجود داشته است؛ که ممکن است ناشی از اختلاف در تجربیات و مهارت‌های عملی، دانش و تخصص علمی، عوامل محیطی و انگیزشی، محدودیت‌های اداری و سازمانی و عوامل ۲۵ گانه دیگری باشد که زاند و دکستر (۱۹۸۴، ص ۵۴۷) در مطالعات خود بدان اشاره کرده‌اند.

یافته‌های تحقیق حاضر حاکی از عدم یکدستی و پیشینه‌های کتابشناختی در کتابخانه‌های مورد بررسی است و میزان بالایی از ناهمگونی و در نتیجه کاهش جامعیت دسترسی موضوعی به اطلاعات را نشان می‌دهد. عدم یکدستی و ناهمگونی اطلاعات در مقیاس کلان به سست شدن زیربنای اطلاع‌رسانی ملی می‌انجامد. بنابراین تشکیل نظام شبکه‌ای، تقویت روابط مشترک، برنامه‌ریزی برای طرح‌های مشترک کتابخانه‌ای و اطلاع‌رسانی از گام‌های اساسی است که باید برای گسترش نظام‌های اطلاعاتی برداشته شود.

در قلمرو خدمات اطلاع‌رسانی، اصطلاح همکاری و مشارکت ناظر بر وجود گروهی از مراکز اطلاعاتی است که به منظور بهره‌وری دوجانبه، در نوعی اشتراک منابع سهیم می‌شوند. اشتراک منابع، به نوبه خود، به توان مبادله یا مشارکت در پیشینه‌های کتابشناختی اطلاق می‌گردد. توان مشارکت در مدارک یا مبادله آنها به معنی ضرورت این اصل است که نوعی همگونی در میان مراکز، در خود مدارک، و چگونگی استفاده از آنها وجود داشته باشد. برای همگونی، دو وجه می‌توان قائل شد: وجه "فنی" و وجه "محتوایی". اولی ناظر بر سازگاری در صورت مدارک و عوامل دیگری است که بر مبادله پیشینه‌ها یا دسترسی به آنها - صرف نظر از محتوای پیشینه‌ها - اثر می‌گذارد. همگونی محتوایی، با مضمون مدارک سروکار دارد. در این زمینه نیز دو وجه را می‌توان مشخص کرد؛ همگونی در توصیف هر فقره به عنوان مدرکی واحد (یعنی توصیف کتابشناختی)، که از طریق نشانه‌گذاری‌های فهرستنویسی، شماره استاندارد بین‌المللی، و غیره می‌توان به آن دست یافت و در این مسیر استفاده از فهرستنویسی پیش از انتشار یا فهرستنویسی تعاونی شاید بتواند همگونی و سازگاری بیشتری را در اطلاعات کتابشناختی فراهم آورد؛ و دوم همگونی در ارائه موضوع مدارک. دسترسی موضوعی مؤثر در چنین نظامی به چند عامل بستگی دارد که مشخص‌ترین آنها شیوه ارائه موضوع مدارک است. برای تحقق این امر، هماهنگی میان واژگان به کار رفته برای ارائه موضوع، بیش از همه اهمیت دارد و یکی از مسائل عمده سازمان‌هایی است که می‌خواهند منابع چندین مرکز اطلاعاتی موجود را در شبکه‌ای واحد هماهنگ سازند؛ هر چه تعداد مراکز بیشتر باشد،



مسائل دشوارتر خواهد بود. یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد که از ۱۲ مرکز که دارای بیشترین عناوین ایرانشناسی هستند هر یک سرعنوان‌های موضوعی متفاوتی را به کار گرفته و تنها ۱۵/۶۱ درصد مدارک از همگونی یکسان برخوردار است. همچنین در کل این مراکز، به طور میانگین، بیش از ۲/۱ درصد موضوع به مدارک اختصاص یافته است. در هر شبکه همکاری همگونی در برخورد با دسترسی موضوعی را می‌توان در درونداد یا برونداد ایجاد کرد. در مورد اول، لازم است کلیه موضوعات یک به یک بازنگری، اصلاح، و با زبان معیار سازگار شود که تجربه نشان داده است این کار مستلزم صرف وقت زیاد، هزینه بالا، و داشتن نیروی انسانی متخصص است و همچنین دوباره کاری‌هایی را به دنبال دارد که در شرایط فعلی امکان‌پذیر نیست و بسیاری از طرح‌های تهیه فهرستگان نیز به همین دلایل در نیمه راه ناکام مانده است.

اما در مورد دوم، راه حل احتمالی برای ایجاد همگونی با ایجاد امکان استفاده از روشی واحد مانند ایجاد نمایه واژه‌های مدارک - صرف نظر از اینکه آن مرکز چه داده‌ها یا موضوعاتی را دربر می‌گیرد - حاصل می‌گردد. این شیوه نه تنها مراکز را که از طرح‌های رده‌بندی یا سیاهه‌های سرعنوان‌های موضوعی متفاوت استفاده می‌کنند تحت پوشش در می‌آورد، بلکه چنانچه مدارک آنها به بیش از یک زبان باشد می‌تواند تحت قالبی واحد درآید بدون آنکه نیاز به تغییر فهرست‌ها باشد. این طریق در واقع، نوعی زبان مشترک اتصال است. استفاده از چنین ابزاری مستلزم ایجاد چارچوب واژگانی وسیع از نوع اصطلاحنامه کلان است و ایجاد و گسترش آن وظیفه اصلی گروه واژگان است که با شبکه همکاری می‌کند. به این ترتیب، کلیه عناصر بازیابی در بایگانی واحدی ترکیب شده و دسترسی استفاده‌کننده به این بایگانی به گونه‌ای است که گویی پایگاه گسترده‌ای را به شیوه زبان طبیعی و با جامعیت بیشتر می‌پیماید.

به هر حال در جامعه امروز شمار اندکی از افراد وجود دارند که به اطلاعات نیاز نداشته باشند. بنابر این کار سهولت بخشیدن به انتقال اطلاعات از کارهای اساسی است که تقریباً با هر فعالیت اجتماعی همراه است. پیچیدگی و در هم تنیدگی روزافزون فعالیت‌های اجتماعی به این معنی است که نیاز به یاری کردن افراد در یافتن منابع

اطلاعاتی در حال افزایش است و هر نظام اطلاعاتی برای اینکه بتواند انواع تقاضاها را برآورده کند باید از حداکثر انعطاف و جامعیت لازم برای دسترس‌پذیر کردن اطلاعات برخوردار باشد.

### مآخذ

نشاط، نرگس (۱۳۷۳). "بررسی وضعیت موضوع‌دهی به کتاب‌های فارسی در کتابشناسی ملی ایران". پیام کتابخانه. س. چهارم، ۱ و ۲ (بهار و تابستان): ۶۵-۷۶.

- Christ, John M. (1972). *Concepts and Subject Headings: their Relation in Information Retrieval and Library Science*. Metuchen: Scarecrow Press.
- Giral, Angela; Taylor, Arlene G (1993). "Indexing Overlap and Consistency Between the Avery Index to Architectural Periodicals and the Architectural Periodicals Index". *LRTS*. 37(2): 19-43.
- Gluk, Myke (1990). "A Review of Journal Coverage Overlap with an Extension to the Definition of Overlap". *Journal of the American Society for Information Science*. 41, (1): 43-60.
- Hooper, R.S. (1965). *Indexer Consistency and Utilization*. Bethesda, Md: IBM Corp.
- Jacoby, J; Slamecka, V. (1962). *Indexer Consistency under Minimal Conditions*. Bethesda, Maryland: Documentation, Inc.
- Jones, Edgar (1992). "Consistency in Choice and form of Main Entry: A Comparison of Library of Congress and British Library Monograph Cataloging". *LRTS*. 63(2): PP. 209-223.
- Kranz, J. (1988). "Microcomputer Software Cataloging: The Need for Consistency". *Cataloging and Classification*. 9(1): 83-96.
- Leonard, Lawrence E. (1977). *Inter-Indexer Consistency Studies, 1954-1975: A Review of the Literature and Summary of Study Results*. University of Ininois Gradut School of Library Science.
- Lilley, Oliver (1986). "Subject Access in Online Catalogs: A Design Model". *Journal of the American*

*Society for Information Science*. 37(6): 357-376.

Mann, T. (1997). "Cataloging must Change and Indexer Consistency Studies". *Cataloging & Classification-Quarterly*. 23(314): 3-45.

Oddy, Pat (1996). *Future Libraries; Futur Catalogues*. London: Library Association.

Olson, Hope A (2002). "Between Control and Chase: An Ethical Perspective on Authority Control [E-mail].

Painter, A.F. (1963). *An Analysis of Duplication and Consistency of Subject Indexing Involved in Report Handling at the office of Technical Services*. Washington, D.C: Department of Commerce, office of technical Services.

Preschel, B.M (1972). *"Indexer Consistency in Preception of Concepts and in Choic of Terminology*. New York: Columbia University.

Russell, Martha A (1991). "Inconsistencies in Subject Heading in Young Adult Resources". *Journal of Youth Services in Libraries*. 5(1): 87-92.

Sparck Jones, Karen (1973). *Linguistic and Information Science*. New York: Academic Press.

